



مەنخسى	متن	واژگان	گرامبر	
کرامر (۱۷۸ واژ کان واژ کان واژ کان معنی (۱۷۹ واژ کان معنی واژ کان معنی واژ کان کانوز و درک مطلب (۱۰۷ کانید کانید و ۲۰۰ ا	متن و مهارت؛ قسمت اول (۵۵) متنهای کلوز و درک مطلب (۵۷)	کلمههای جدید کتاب درسی کلمههای جدید کتاب کار (۳۸) نگاهی به کلمههای آشنا مهارتهای واژگانی: همایندها (۳۹) تستهای واژگان	جملههای مجهول پرسشهای تأییدی ۲ حروف ربط همپایهساز ۷۷ تستهای موضوعی و ۱۹ ترکیبی گرامر	ررسی ا Sense of Appreciation
گرامر ه•۲ واژگان (۹۹ متنهای کلوز و درک مطلب (۲۹۹ کلید (۱۹۹	متن و مهارت: قسمت دوم (۱۱) متن های کلوز و درک مطلب (۱۱۵	کلمههای جدید کتاب درسی ۲۸ کلمههای جدید کتاب کار ۳۹ نگاهی به کلمههای آشنا ۲۹ مهارتهای واژکانی: حدس معنی ۹۹ کلمه ناأشنا از روی ساختار کلمه پیشوندها ۱۰۰ پسوندها ۱۰۰ پسوندها ۱۰۰	جملههای وصفی و ۲۰ ضمایر موصولی جملههای شرطی نوع دوم ۲۰ تستهای موضوعی و ۲۰ ترکیبی گرامر	۲ درس ۲ Look it up!
گرامر ۲۰۰۰ واژگان ۲۰۰۶ متنهای کلوز و درک مطلب ۲۰۵۷ کلید ۲۰۰۰	متن و مهارت؛ قسمت سوم (۸۰۰ متن های کلوز و در ک مطلب (۱۰۰	کلمههای جدید کتاب درسی (۱۹۹۹) کلمههای جدید کتاب کار (۱۹۹۹) نگاهی به کلمههای اشنا (۱۵۵۹) مهارتهای واژگانی؛ (۱۵۵۹) ضربالمثلها تستهای واژگان (۱۵۵۹)	فعلهای وجهی (۲۰۰ در شکل مجهول زمان گذشتهٔ کامل (۱۳۰ تستهای موضوعی و (۱۳۱ ترکیبی گرامر	درس ۳ Renewable Energy

22.00

ee ...



فعلهایی که ۲ بار مجهول می شوند

بعضى از فعلها مى توانند به طور همزمان ۲ مفعول در جمله داشته باشند: مفعولى كه كار روى آن انجام مى شود (مفعول مستقيم يا بى واسطه) و مفعولی که کار برای آن انجام میشود (مفعول غیرمستقیم یا متمم). بنابراین، میتوانیم جمله را ۲ بار مجهول کنیم و هر بار یکی از این tell گفتن

مفعول ها را در ابتدای جمله قرار بدهیم. Active: They offered **a job** to **me**. = They offered **me a job**. معلوم: أنها يك شغلى (مفعول مستقيم) را به من (مفعول غيرمستقيم) پيشنهاد كردند. Passive 1: A job was offered to me. مجهول «۱»: یک شغل به من پیشنهاد شد. Passive 2: I was offered a job. مجهول «۲»: به من یک شغل پیشنهاد شد. • به این نوع فعلها، فعلهای دومفعولی می گوییم. بعضی از مهمترین فعلهای دومفعولی در زبان انگلیسی عبارتاند از: ask give lend offer pay promise refuse send show teach یاددادن نشاندادن فرستادن چیزی را به کسی ندادن قولدادن پرداختن پیشنهادکردن قرضدادن دادن پرسیدن: درخواست کردن توسط چه کسی؟ اگر بخواهید شخص انجامدهندهٔ کار را در جملهٔ مجهول زیر سؤال ببرید، میتوانید از یکی از دو ساختار زیر در قسمت B استفاده کنید. A: This is my favorite science fiction book. B: Who was it written by? = By whom was it written? الف: این کتاب، کتاب علمی تخیلی مورد علاقهٔ من است. ب: این کتاب توسط چه کسی نوشته شده؟ ۳تستدستگرمی 1. The car is three years old but very much. 4) hasn't been used 1) didn't use 2) hasn't used 3) wasn't using 2. Twelve famous people on the Titanic on 10 April 1912. 1) died 2) were died have died 4) have been died 3. Today, the students the passive voice. 1) taught 2) have taught 3) were taught 4) were teaching 4. Sigmund Freud the father of psychoanalysis. 3) has known 1) knew 2) is known by is known as ۱- گزینهٔ «۴» «این ماشین مال سه سال پیش است، ولی از آن خیلی زیاد استفاده نشده است.» ۴) استفاده نشده است ۲) استفاده نکرده است ۳) استفاده نمی کرد ۱) استفاده نکر د فعل use (استفاده کردن از) یک فعل گذرا (متعدی) است و بعد از خود به مفعول نیاز دارد؛ ولی بعد از جای خالی، هیچ اسم یا ضمیری وجود ندارد که نقش مفعول را بازی کند. به عبارت دیگر، مفعول، خودِ «ماشین» بوده که در ابتدای جمله و در جایگاه فاعل قرار گرفته؛ يعنى جمله مجهول است. از بين گزينهها، فقط گزينهٔ (۴) مجهول است. ۲- گزینهٔ «۱» «دوازده آدم مشهور در ۱۰ آوریل ۱۹۱۲ در تایتانیک مردند.» ۴) مرده شدهاند!!!! ۳) مردەاند ۲) مرده شدند!!!! ۱) مردند فعل die (مردن) یک فعل ناگذر (لازم) است و اصلاً نمیتواند به شکل مجهول دربیاید. برای همین است که ترجمهٔ گزینههای مجهول (۲ و ۴) اینقدر مسخره شده است. و البته به خاطر حضور قید زمان گذشته در انتهای جمله، گزینهٔ (۱) را به گزینهٔ (۳) ترجیح میدهیم. ۳- گزینهٔ «۳» «امروز، وجه مجهول به دانش آموزان تدریس شد.» ۲) تدریس کردهاند ۴) داشتند تدریس می کردند ۳) تدریس شد ۱) تدریس کردند 10 - All Com

📲 قسمت دوم: پرسش های تأییدی 💦

جملههای زیر را بخوانید و به سؤال کوتاهی که در انتهای هر کدامشان آمده، دقت کنید: مریم میتواند فرانسوی صحبت کند، مگر نه؟ فیلم خیلی خوب نبود، درست است؟ The film wasn't very good, was it? به جملههای سؤالی کوتاهی که در انتهای یک جملهٔ خبری میآید، «پرسشهای تأییدی» گفته میشود. گوینده با استفاده از این نوع سؤالها قصد دارد از درستی یا نادرستی یک خبر مطلع شود؛ یا توقع دارد شنونده حرف او را تأیید کند. بعضیها به این نوع سؤالها، «پرسشهای ضمیمهای» یا «پرسشهای دنبالهای» میگویند. این پرسشها در فارسی، معمولاً به شکل «مگر نه؟»، «درست است؟ «این طور نیست؟» ترجمه میشود.

ساخت یک پرسش تأییدی، قدم بهقدم —

Ali has locked the door,	🕥 بعد از جملهٔ خبری یک ویرگول بگذارید.
Ali has locked the door, has	🍸 فعل كمكي جمله را بعد از ويرگول بازنويسي كنيد
بیاورید. اگر جمله مثبت بود، فعل کمکی را به شکل مخفف، منفی کنید (n't).	🍸 اگر جمله منفی بود، فعل کمکی را به شکل مثبت در
Ali has locked the door, hasn't	
Ali has locked the door, hasn't he	ᠻ فاعل جمله را به شکل ضمیر بازنویسی کنید.
Ali has locked the door, hasn't he?	🔕 علامت سؤال بگذاريد.
کمکی نیست. به همین خاطر از فعلهای کمکی do و does و did استفاده میکنیم.	 در جملههای مثبت حال ساده و گذشتهٔ ساده، خبری از فعل
Leyla plays the piano, doesn't she?	ليلا پيانو مىزند، مگر نه؟
They live near here, don't they?	اُنھا نزدیک اینجا زندگی میکنند، مگر نه؟
Sepehr liked the movie, didn't he?	سپهر از فیلم خوشش اَمد، مگر نه؟
دارد. من برایتان میگویم. فعلهای کمکی اینها هستند:	• اگر مطمئن نیستید که فعلهای کمکی کداماند، عیبی ن

am, is, are, was, were	do, does, did	has, have, had

can, could, will, would, may, might, shall, should, ought to, must

تو هرگز به او زنگ نمیزنی، مگر نه؟



تستهای ۱ تا ۷۰ مربوط به مبحث معلوم و مجهول است. تستهای ۷۱ تا ۱۰۰ از قسمت پرسشهای تأییدی طرح شده. تستهای ۱۰۱ تا ۱۳۰ دربارهٔ حروف ربط همپایهساز است. ولی تستهای ۱۳۱ تا ۱۷۵ درهم است. خودتان باید زحمت بکشید و مبحث را تشخیص بدهید. به علاوه، بعضی از گرامرهای آن هم ترکیبی از این ۳ مبحث است. بروید ببینم چه میکنید.

3

• 1. Abraham Lincoln .	at Ford's Theater on	April 15, 1865.	
1) killed	2) was killed	3) has killed	4) has been killed
9 2. Most of the cost of u	university education	by the government.	
 is paying 	2) is paid	3) has paid	4) was paying
9 3. In 1928, Scottish sci	ientist Alexander Fleming	penicillin by accident	.
1) discovered	2) has discovered	3) was discovered	4) has been discovered
• 4. One of the two lost	children alive and w	ell in a London park.	
1) found	2) were found	3) has found	4) has been found
9 5. He is a great author	but his books trans	lated into any foreign langu	iages yet.
1) were not	2) have not	3) have been not	4) have not been
o 6. More chocolate	in the US than in any of	her country in the world.	
1) is eaten	2) are eaten	3) has eaten	4) have eaten
• 7. According to scient	ists, dinosaurs millio	ons of years ago.	
1) existed	2) have existed	3) were existed	4) have been existed
8. I usually read a mag	gazine while my hair		
1) is cutting	2) is being cut	3) has cut	4) has been cut
9. The baby bo	orn with a heart problem an	d weighed only 1 kilogram.	
1) is	2) has	3) was	4) has been
9 10. As we watched, the	e airplaneinto the cl	ouds.	
1) disappears	2) disappeared	3) is disappeared	4) was disappeared
11. We three d	lays to finish our English ho	mework, but I think it will	take more time.
1) were given	2) have given	3) are going to give	4) will give
9 12. The class was too l	arge last semester, so it	into two sections.	
1) has divided	2) was divided	3) hasn't divided	4) wasn't divided
o 13. Mr Goudarzi	as the best teacher I even	had.	
1) always remembers		2) has always remembe	red
3) is always remembe	red	4) will always remember	er
9 14. The hall th	is week so our class will be i	in a different room.	
1) is painting	2) was painting	3) is being painted	4) was being painted
• 15. We had them over	for dinner a couple of time	s, but they never us	back.
1) invited	2) were invited	3) have been invited	4) are going to be invited
• 16. This group of cher	nicals believed to be	harmful to people with ast	hma.
1) is	2) has	3) are	4) have
• 17. Look at this beaut	iful photo. Who?		
1) has taken	2) was taken	3) was it taken	4) was it taken by
• 18. Without my asking	g, we were provided with a v	vehicle to use while my car	repaired.
1) is going to be	2) was being	3) will be	4) has been

محمد المتحان نمره كامل گرفت. Only one person got a perfect score on the test. المتحان نمره كامل گرفت. Only one person got a perfect score on the test. تيجه تيجه مسابقه در نيمهٔ اول دو بر يک شد. The score at halftime was 2–1. محمد بويايي خود را از دست داد. The dog lost his sense of smell. استحان] نمره [بازى و مسابقه] امتياز، نتيجه محمد بويايي خود را از دست داد. The dog lost his sense of smell. استخار منطق محمد، احساس عقل، فهم، شعور، منطق They hoped recent events would bring him to his senses. ميدوار بودند که اتفاقات اخير او را سر عقل بياورد.
معد یک هر از استان المحالي المتاز المحالي المحالي محس، احساس ■ عقل، فهم، شعور، منطق المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحال المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي
متع على بوايي خود را ار دست داد. متظرماندن عاقلاته نيست. There is no sense in waiting. حس، احساس ■ عقل، فهم، شعور، منطق They hoped recent events would bring him to his senses. ميدوار بودند كه اتفاقات اخير او را سر عقل بياورد.
منتظرماندن عاقلانه نیست. There's no sense in waiting. حس، احساس – عقل، فهم، شعور، منطق There's no sense in waiting. They hoped recent events would bring him to his senses . ميدوار بودند که اتفاقات اخير او را سر عقل بياورد.
They hoped recent events would bring him to his senses.
میدوار بودند که اتفاقات اخیر او را سر عقل بیاورد.
•••••••••••••••••••••••••••••••••••••••
sense of appreciation I wish to express my sense of appreciation to my wife for her support and
encouragement.
وست دارم قدرشناسی خود را نسبت به همسرم بابت حمایت و تشویقش ابراز کنم.
Series /'stritz/ n We've had a series of problems with our computer network.
ا یک سری مشکل در شبکهٔ رایانهای خود داشتهایم.
جموعة تلويزيوني مورد علاقهات چيست؟ What's your favorite TV series? مجموعة راديويي يا تلويزيوني، سريال
shout / ʃaut / v, n There's no need to shout at me
ضا پر بود از فریادهای خشمگینانه. The air was filled with angry shouts.
بریزش بینی معمولاً نشانهٔ سرماخوردگی ا ست. Runny nose usually signals a cold. بریزش بینی معمولاً نشانهٔ سرماخوردگی است.
ا علامتدادن، خبردادن از، نشاندادن العامة Don't fire until I signal. = Don't fire until I give you a signal.
نىلىك نكنيد تا من علامت بدھم.
We were bored with the movie, so we left.
وصلهمان از فیلم سر رفت، در نتیجه [از سینما] آمدیم بیرون.
There are no more chairs available, so you'll have to stand.
لیچ صندلیای باقی نمانده، بنابراین باید بایستی.
وى كاناية جلوى تلويزيون خوابم برد. I fell asleep on the sofa in front of the TV. كاناپه I fell asleep on the sofa in front of the TV.
solution $/s = ur n / n$ The solutions to the math problems are in the back of the book.
ا دحل های این مسائل ریاضی در آخر کتاب وجود دارد. 🔰 دارد. او دارد.
sometime /'sʌmtaɪm/ adv The book was written sometime around 1970. بن كتاب در زمانى حدود سال ۱۹۲۰ نوشته شد. (ما توشته شد.)
ا باید یک وقتی دور هم جمع شویم. We should get together sometime . زمانی، روزی 🛑 یک روزی، یک وقتی
قشهٔ آنها به نظر من خوب است. Their plan sounds good to me.
🔲 احساس شدن، به نظر آمدن 🔵 صدادادن الجساس شدن، المن المدن المدن المدن المدن المعن المدن المدن المدن المدن المدن المدن المداداد المحمد المدادان المحمد المداد المدن المحمد المداد المدن المحمد المداد المدن المحمد المداد المحمد المحم
گر زنگ خطر به صدا درآمد ، فوراً ساختمان را ترک کن.
نها زنگ خطر را به صدا در اوردند . They sounded the alarm.
spare /sper/v No one knows why the gunman shot some people and spared others.
لیچ کس نمیداند که چرا مرد مسلح بعضیها را کشت و از کشتن دیگران گذشت. مضایقه کردن، دریغ کردن 📒
يا مي شود چند دقيقه [از وقتت را] به من ا ختصاص بدهي ؟ ?Can you spare me a few minutes عفو كردن، چشم پوشي كردن 🛑
از کشتن (کسی) گذشتن 🔵 When they go on vacation, they spare no expense .
ن ها وقتی به تعطیلات میروند، از هیچ خرجی مضایقه نمی کنند . از منابع از اینان کنارگذاشتن، اختصاص دادن 📒
I'd love to come, but I'm afraid I can't spare the time .
نیلی دوست دارم بیایم، ولی متأسفانه نمیتوانم زمانی را به این کار اختصاص بدهم (وقتش را ندارم). ماطوریوندم وه ودیر بروای سرم نوط وسیم معاومت مع دمت مدر اختصاص بدهم (وقتش را ندارم).
The hotel staff spared no pains to make sure that our stay was as enjoyable as possible.
کارکنان هتل برای اطمینان از این که اقامت ما تا حد ممکن لذتبخش باشد، از هیچ رنجی مضایقه
می کردند (تمام سعی خود را می <i>ک</i> ردند).
The storm spared our house while nearby buildings were destroyed.
طوفان از خانهٔ ما چشم پوشی کرد (خانهٔ ما را خراب نکرد) در حالی که ساختمانهای اطراف خراب شدند.

۳۶ - <u>۲</u>۴ ۴۳ ۳۶

۲	_ کتاب درسی و کتاب کار	رس ۱ دوازدهم.	گاهی به کلمههای آشنای د	i)

member /'membər/ n		مجموعه، رشته، گروه، دست مجموعه، رشته، گروه، دست
microwave oven /,m	aıkrəweıv 'ʌvn/ n [اجاق] مايكروويو	تقسیم کردن، قسمت کردن ا ، تقسیم کردن، قسمت کردن تقسیم کردن، قسمت کردن از ، شریک بودن ای به اشتراک گذاشتن
memory /'meməri/ n	حافظه 🔵 خاطره، یاد	similar /ˈsɪmələr/ adj همانند، مشابه، شبيه
mention / menfn/v	ذکرکردن، اشارهکردن به، نامبردن از، گفتن	نگاهی اجمالی انداختن به، ورقزدن، تورق کردن skim /skim/v
mostly /'moustli/ adv	عمدتاً، بيشتر، در اكثر موارد 📒 معمولاً	smartphone /ˈsmaːrtfoun/ n تلفن همراه هوشمند
native /'neɪtɪv/ adj	بومی 🛑 محلی 🛄 آبا و اجدادی، مادری	society /səˈsaɪəti/ n انجمن
no matter	بدون توجه به این که، مهم نیست که	مخصوص، خاص استثنايي special /'speji/ adj
on one's own	تنها، تكوتنها 📒 به تنهايي	موفقيت 🔵 شخص موفق؛ رويداد موفقيت آميز 🛛 success /sək'ses/
orally /'ɔɪrəli/ adv	به طور شفاهی 🔵 به صورت خوراکی	suitable /ˈsuːtəbl/ adj مناسب
plan /plæn/ n, v بی کردن: قصدداشتن	نقشه، طرح، برنامه 🛑 نقشه کشیدن؛ برنامهریز	sure /ʃʊr/ adj مطمئن 🔵 قطعی
prefer /prɪˈfɜːr/ v		مراقبت کردن از 🛑 رسیدگی کردن به، پرداختن به 🛛
	توليد، توليدات 🔵 محصول، كالا 🛑 نتيجه، حاصل	thought /θɔɪt/ n فكر 👅 تفكر
project / praid3ekt/ n	طرح، برنامه، پروژه 🔵 تحقيق	عنوان 🛑 لقب title /'tartl/ n
protect /prəˈtekt/ v	محافظت کردن از 🔵 دفاع کردن از	بیش از حد 🔵 زیاد، فراوان 🔵 نیز، هم، همچنین 🛛 too /tuː/ adv
proud /praud/ adj	مفتخر، سرفراز، سربلند 🛑 مغرور، بلندنظر 🛑 متكبر، خودخواه 🛑 غرورآفرين، شكوهمند	topic /ˈtaːpɪk/ n موضوع 🔳 مبحث
quite /kwaɪt/ adv	كاملاً 🛑 واقعاً 🛑 تا حدى	اسباب بازی toy /تیا n
rarely /'rerli/ adv	به ندرت، گهگاه	translate /træns'lert/v 🛑 ترجمه کردن، ترجمه شدن
reason /ˈriɪzn/ n	دليل 🛑 علت 🛑 عقل، شعور	type /taɪp/ n نوع، گونه
refer /rɪˈfɜɪr/ v	اشارہ کردن 🛑 ارجاعدادن 🛑 مراجعہ کردن	ارزش = قيمت value /ˈvæljuː/ n
respect /rɪˈspekt/ n, v	احترام 🛑 احترام گذاشتن	[لباس] پوشیدن 🧻 (wear /wer/ v (wore, worn) [آرایش، تبسم، نگاه و مانند آن] داشتن، بر چهره داشتن
result /rɪˈzʌlt/ n	نتيجه 📒 ثمره، حاصل	weave /wi:v/ v (weaved or wove, weaved or woven) بافتن، بافندگی کردن][داستان و مانند آن] ساختن، درست کردن
rule /ruɪl/ n	قاعده، قانون 🛑 [به صورت جمع] مقررات	عالى، فوق العاده 🛑 عجيب، شگفت آور /wʌndərfl/ adj الاه /wʌndərfl/
<pre>scientist /'sarentist/ n</pre>	دانشمند	درخور، سزاوار، لایق، شایسته worthy /ˈwɜɪrði/ adj
serious /ˈsɪriəs/ adj	جدي 🛑 مهم 🛑 وخيم	



Fr - rester

u

Q

Reading6

te ee

این متن هم مال ریاضی ۱۳۹۷ است و این بار هم حتی به یک کلمه از متن دست نزدهام. ظاهر و باطن! فقط از سؤال اول هول نکنید. پرسیده است «اطلاعات متن چهطور ارائه شده». شاید این سؤال یک جوری باشد، ولی در عوض در سؤال آخر جبران کرده و پرسیده «کدام کلمه در متن define شده است». این نوع سؤالها را یادتان هست؟ باید گزینهها را توی متن پیدا میکردید و میدیدید آیا جلویشان تعریفی، توضیحی، چیزی نوشته شده است یا نه.

Decope love to compare and contrast. In most parts of England, you buy your bus ticket on the bus. In France, you buy it at a metro station. In Australia, you can buy it from a newsagent. We all find this kind of comparison amusing. Books on cross-cultural communication use our curiosity by focusing on differences between people across the world: in social behavior, the roles <u>they</u> play in society, their viewpoint towards money, the importance of their body language, etc.

Proxemics, the study of different standards of personal space, is one example. How close I stand to someone when I am speaking to them depends not only on my relationship to them, but also on my culture. This is important because if the person I am with is not used to standing as near as I do when we are talking to each other, they might feel uncomfortable. Statistics tell us that the average distance at which two people stand in a social context - neighbors talking together, for example - is anything between 1.2 meters and 3.5 meters. In Latin cultures (South America, Italy, etc) and also in China this distance tends to be smaller, while in Nordic cultures (Sweden, Denmark, etc.) people usually stand further apart.

426. Which of the following best describes the way the information in the passage is presented?

- 1) A particular event is mentioned and the reasons for its existence are discussed.
- 2) A general point is made and then a particular case related to it is mentioned.
- 3) An interesting topic is introduced and the ideas for and against it are stated.
- 4) Different aspects of the same thing are introduced and are then compared.
- - 1) our culture
- 2) our country
- 3) our neighbors
- 4) our relationship with them

428. According to the passage, the distance at which people stand in a social context

- 1) is 1.2 meters or 3.5 meters all over the world
- 2) is the smallest in the world in Latin cultures
- 3) tends to change in the course of time
- 4) is not fixed under all circumstances

429. Which of the following is defined in the passage?

- 1) proxemics
- 2) social context
- social behavior
- 4) cross-cultural communication

میتوانیم در شرطی نوع دوم، در جملهٔ جواب شرط، به جای would، از فعلهای وجهی could و might هم استفاده کنیم. اگر ماشین حساب داشتیم، میتوانستیم زودتر به جواب برسیم......If we had a calculator, we could work this out quicker اگر او سختتر کار میکرد، شاید نمرههای خیلی بهتری میگرفت..... If she worked harder, she might get even better marks.

در کتاب نیامده است اما...

می توانیم در شرطی نوع دوم، در قسمت شرط، به جای زمان گذشتهٔ ساده، از زمان گذشتهٔ استمراری هم استفاده کنیم، به شرطی که به معنی جمله بخورد.

اگر الان باران نمی آمد (در حال باریدن نبود) می رفتم بیرون. اگر الان باران نمی آمد (در حال باریدن نبود) می

وقتی جمله های شرطی را سؤالی می کنیم، فقط قسمت جوابِ شرط سؤالی می شود و جملهٔ شرط بدون تغییر باقی می ماند. نیازی به گفتن
 نیست که فعل would یک فعل وجهی است و برای سؤالی کردن و منفی کردن جمله، از خود آن استفاده می کنیم.

If you were in my position, **what would you do**? = **What would you do** if you were in my position? (NOT ... If were you in my position, ...?)

اگر در موقعیت من بودی، چهکار میکردی؟

• برای ساختن پرسش های تأییدی در جمله های شرطی، جملهٔ جواب شرط را ملاک قرار میدهیم.

You would help me if you weren't busy, wouldn't you? (NOT ... , weren't you?)

اگر گرفتار نبودی به من کمک میکردی، مگر نه؟

تفاوت شرطی نوع اول و دوم از نظر معنی و کاربرد ------

همان طور که دیدید، قیافهٔ شرطی نوع اول و دوم از زمین تا آسمان با هم فرق میکند، ولی هر دوی آنها متعلق به یک بازهٔ زمانی هستند که از حال تا آینده را دربرمی گیرد. تفاوت بزرگ این دوتا این است که شرطی نوع اول «احتمال دارد که انجام بشود»، ولی شرطی نوع دوم «خیلی خیلی خیلی بعید است که انجام بشود». فکر کنم مثالهای زیر کمکتان کند:

If I become President, I'll help the poor.

(یک نامزد ریاستجمهوری در کارزار انتخاباتی): اگر من رئیسجمهور بشوم، به فقرا کمک خواهم کرد. (شرطی نوع اول: محتمل) If I became President, I'd help the poor.

(یک بچهمدرسهای در انشایی که نوشته است): اگر من رئیسجمهور می شدم، به فقرا کمک می کردم. (شرطی نوع دوم: نامحتمل)

			۶ تست دستگرمی –
1. If you knew the trut	h, you smiling.		37
1) won't	2) wouldn't	3) won't be	4) wouldn't be
2. Luckily, I live near 1	ny office. If I spend	l much time traveling to w	ork.
1) don't I will	2) am not I will	3) didn't I would	4) were not I would
3. If you chang	e one thing in the world, w	hat would you change?	
1) will	2) would	3) can	4) could
4. Come on, Sheyda! If	f we we cat	ch the half-past-nine bus.	
1) hurry - will	2) will hurry - can	3) hurried - would	4) would hurry - could
5. It's a pity you have	to go now. It be nic	e if you more time.	
1) will - have	2) will - are having	3) would - were having	4) would - had
6. It really tastes territ	ole. I be eating this	if Iso hungry.	
1) wouldn't - were	2) wouldn't - weren't	3) won't - am	4) won't - am not

stand for	"TX/I" -t d- C "C tC t	"
مخفف چیزیبودن، نشان چیزیبودن 📒	"FYI" stands for "for your information."	ε ε ,
از چیزی حمایت کردن	The color green often stands for nature a	
0-7	I wouldn't stand for that cast of habavia	ب سبز معمولا نشانِ طبیعت و بهار است. بیمیر معمولا نشانِ علیمیر معمد I
	I wouldn't stand for that sort of behavio	•
		به جای تو بودم، از چنان رفتاری حمایت نم
stick /strk/ v (stuck, stuck)	Magnets stick to metal.	رباها به فلز میچسبند.
چسبیدن 🥃 چسباندن 🔵 گذاشتن، قراردادن،	She stuck two stamps on the letter.	و تمبر روی نامه چسباند.
فروبردن 🛑 فرورفتن 🛑 گير كردن، گيرافتادن	Stick these candles in the birthday cake.	شمعها را روی کیکِ تولد بگذار.
	A thorn stuck in her finger.	خار توی انگشتش فرو رفت.
	He stuck his hands in his pockets and wa	-
	ان رفت.	ستانش را توی جیبهایش فرو برد و قدمزن
suffer /ˈsʌfər/ v	He suffers from asthma.	ه أسم مبتلاست.
[بيماري] مبتلابودن (به)، دچاربودن 📒	He suffered a heart attack.	چار حملهٔ قلبی شد .
دردکشیدن 📒 رنج کشیدن (از)	He died instantly and did not suffer.	وراً مُرد و درد نکشید .
	I hate to see animals suffering .	رم [از این] که ببینم حیوانات رنج می کشند
	The company suffered huge losses.	کت دچار خسارتهای زیادی شد .
superhuman /ˌsuɪpərˈhjuɪmən/ adj	I'll never get all this work done in a weel	k – I'm not superhuman !
فوق بشرى، خارق العاده	مام کنم -[یک أدم با نیروهای] فوق بشری [که] نیستم!	هرگز نمیتوانم این همه کار را در یک هفته ته
	Batman has no superhuman powers. He'	s just a wealthy guy that trains ha
	and has some cool tools.	
	یک آدم ثروتمند است که خیلی تمرین میکند و یک	ن هیچ قدرت خارقالعادهای ندارد. او فقط
		ی ابزارِ باحال دارد.
support /sə'pɔɪrt/v	$I \ completely \ support \ your \ decision \ to \ states \ support \ suppo$	ay.
حمایت کردن،پشتیبانی کردن از،طرفداری کردن از	کنې.	کاملاً از تصمیم تو برای ماندن حمایت می
خرج (کسی را) دادن 🛑 نگەداشتن، تحمل کردن 🛑	The planet's atmosphere cannot support	human life.
كمككردن به 🛑 تأييدكردن، اثباتكردن	ا نی کند (امکان حیات را فراهم نمیآورد).	این سیاره نمیتواند حیات انسانها را پشتیب ا
	He works two jobs to support his family.	و جا کار می کند تا خرج خانوادهاش را بدهد.
	Their claims are not supported by the evide	های آنها توسط شواهد تأیید نمی شود ence
suppose /sə'pouz/ v	I can't see his car, so I suppose that he's	gone out.
حدسزدن، گمان کردن، فکر کردن 📒		۔ توانم ماشینش را ببینم، پس حدس میزنم
خيال کردن 🥃 فرض کردن	Suppose we miss the train - what will we	
0,0,=0,0.		س کن از قطار جا ہمانیم – آن _ا وقت چهکار خ
	She was supposed to be here an hour ag	
surround /sə'raund/v	Tall trees surround the lake. = The lake	001 001
احاطه کردن، محاصره کردن، در میان گرفتن		تان بلند، دریاچه را احاطه کردهاند. = دریام تان بلند، دریاچه را احاطه کردهاند. =
الخاطة لردن، محاصرة لردن، در میں درس	Police surrounded the house. = The hou	
		se was surrounded by ponce. ن خانه را محاصره کرد. = خانه توسط پلید
sweet /swirt/ n	She bought a packet of sweets for the chi	
[به صورت جمع] شیرینی	m	رای بچهها یک بسته شیرینی خرید. این
(= شكلات، أبنبات و مانند أن) 🛑 دِسِر	There was only one sweet on the menu -	chocolate cake with cream. یک دسر توی منو بود – کیک شکلاتی با

ah

15

i, Ci

U P

2

LW SUDP

متن ومهارت؛ قسمت **دوم**

پاراگراف و جملهٔ بیانِ موضوع

آبند یا پاراگراف عبارت است از مجموعه جملههایی که فکر واحدی را بیان میکنند و بین آنها ارتباط و همبستگی لفظی و معنایی وجود دارد. یک پاراگراف ممکن است اطلاعاتی را به خواننده بدهد، نظری را بیان کند، دلیل چیزی را توضیح بدهد، یا ماجرای کوتاهی را تعریف کند. از نظر ظاهری، در ابتدای هر پاراگراف، معمولاً یک تورفتگی (indent) وجود دارد که باعث می شود تفکیک پاراگرافها از هم آسان شود.

(topic sentence) هر پاراگراف، ایدهٔ کامل و مستقلی را در خود دارد. مهمترین بخش یک پاراگراف، جملهٔ «بیان موضوع» (topic sentence) است. این جمله، معمولاً، اولین جملهٔ پاراگراف است و خواننده با خواندن آن متوجه می شود که پاراگراف قصد دارد راجع به چه موضوعی صحبت کند. جمله های بعدی _ ضمن تمایز از یکدیگر _ پیوند نزدیکی با هم دارند و ایدهٔ اصلی (main idea) آن پاراگراف را گسترش می دهند.

اگر جملهٔ «بیان موضوع» را درست تشخیص داده باشیم، میتوانیم به راحتی به موضوع اصلی (main idea) پاراگراف پی ببریم.

One of the most notable changes is that the older generation of British holidaymakers has been travelling like never before. The number of holidaymakers over 60 has doubled in the last three years. Cruise destinations in the Caribbean or even to Antarctica are no longer just for young adventurers.

> موضوع اصلی: تغییر در نوعِ سفررفتنِ نسل قدیمی تر گردشگران بریتانیایی • یا مثلاً این پاراگراف از گروه هنر سال ۱۳۹۵:

In 2011, eight percent of children eight-years old and younger used mobile devices daily. That's according to a report from Common Sense Media. This organization studies issues of concern to teachers and families. By 2015, their report shows that figure had more than doubled. Many pediatricians are concerned. In my view, they are right to be.

موضوع اصلى: استفادة كودكان كمسنوسال از تلفن همراه

یا این پاراگراف از گروه زبان سال ۱۳۹۴:

The collection of events that occur in a work of literature is called the plot. Gulliver's Travels, for example, tells the story of Lemuel Gulliver, a ship's surgeon. In the first part, Gulliver is shipwrecked in an imaginary land called Lilliput, where the people are only a couple of inches tall. In the second tale, he meets the giants of Brobdingnag. In the third story, Gulliver visits various strange lands. Finally, he is left among the Houyhnhnms – a race of horses that are wiser and more intelligent than their human servants, the Yahoos. Rejected by the Houyhnhnms, Gulliver returns to England, where he is no longer able to tolerate the company of other humans.

موضوع اصلى: طرح داستانى (پلات يا پىرنگ) چيست؟

111-18-66-66-

۴) گاهی جملهٔ «بیان موضوع» به شکل یک پرسش مطرح میشود. مثل این پاراگراف از کنکور سراسری ۱۳۹۷، گروه زبان: Why is music important? Music participation provides a unique opportunity for literacy preparation - to prepare children to learn how to read and write at school. Whether the children are singing, playing, or listening.

موضوع اصلى: اهميت موسيقى

(۵) گاهی جملهٔ «بیان موضوع»، جملهٔ واحدی نیست و در سرتاسر یک پاراگراف پراکنده است. مثل این پاراگراف از گروه تجربی سال ۱۳۹۳: Milk looks white because it contains a protein (body-building substance) called casein. Through a microscope floating globules (small drops) of **fat** can be seen in milk. The layer of cream which floats on the top of **milk is made up of fat globules**. As well as casein and fat, which can both be seen, milk also contains a type of sugar called lactose dissolved in it. Minerals, particularly calcium and phosphorus (which are important in forming bones and teeth) and most of the vitamins essential for life and health are also contained in milk.

موضوع اصلى: مواد تشكيل دهندهٔ شير

۶) گاهی جملهٔ «بیان موضوع» در انتهای پاراگراف قرار میگیرد. مثل این پاراگراف از سراسری ۱۳۹۳، گروه زبان: Normally when we think of a farm, we imagine quiet, spacious fields in the country, far away from the city. However, as cities around the world continue to grow, many of their residents are getting

involved in urban agriculture. Today, small city farms are becoming more and more common. موضوع اصلي: رواج مزارع كوچک شهري

🍞 گاهی در متنهای درکمطلب، به جای پرسش از موضوع اصلی متن، موضوع اصلی یکی از پاراگرافها را از شما میپرسند. همان طور که دیدید، محل قرارگرفتن جملهٔ «بیان موضوع» همیشه در ابتدای پاراگراف نیست. پس اگر از شما خواستند «موضوع اصلی» یک پاراگراف را تعیین کنید، باید حتماً تمام آن پاراگراف را به سرعت skim کنید و به خواندنِ جملهٔ اول اکتفا نکنید. مثالهای زیر را از آزمونهای سراسری سالهای اخیر برایتان انتخاب کردهام.

Some children require programmes of special education and may have to attend special schools, where what is taught and how it is taught is different from what is available in regular schools. There are different types of special schools. Special schools exist for children who are deaf (or partially deaf); for the blind (or partially visually handicapped); for mentally retarded children; for physically handicapped children; and for children with behavioural problems. In some countries there are also schools for clever children, those who are either exceptionally intelligent or artistically or musically (کنکور سراسری ۱۳۸۷، گروه انسانی) talented.

1. The first paragraph is mainly about

1) special schools

2) school programmes

3) deaf and blind students

-11٣

4) the uses of special education An advertisement is a message carried in one of the various forms of "media" such as newspapers

and magazines, radio and television, and the posters and neon signs that we see in the street. The purpose of most advertisements is to persuade a particular audience to buy the products or service (کنکور سراسری ۱۳۹۰، گروه زبان) offered by the advertiser.



doze 1

(*) In spoken languages, meaning is expressed through a system of sounds, and rules (780) those sounds. Many people (781) use sign languages, in which gestures do the work of the sound system of spoken languages. Languages are always changing, but they change very slowly. People invent new words for their language, (782) words from other languages, and change the meanings of words as needed. For example the English word *byte* was invented by computer specialists in 1959. The English word tomato comes from Nahuatl, an American Indian language (783) in Mexico. The English word *meat* (784) referred to food in general.

780. 1) combine	2) which combines	3) of combination	4) for combining
781. 1) suffer from h	earing loss	who suffer from heat	aring loss
3) with hearing	loss they	4) suffered by hearing	loss
782. 1) expand	2) arrange	3) look up	4) borrow
783. 1) is spoken	2) which is spoken	3) which it is spoken	4) and it is spoken
784. 1) although	2) if	3) once	4) whereas

(doze 2

(3) In many of today's households, family dinners, (785) once common, have become a thing of the past. With busy schedules held by both parents and children, many families rarely have time to eat dinner together. Research has (786) that having dinner as a family on a regular basis has positive effects on the development of teenagers. Conversations at the dinner table (787) the vocabulary and reading ability of children. Dinner conversations (788) children the opportunity to talk to their parents and siblings and to have an active voice within the family. They also provide opportunities for children to listen to others as well as express their own opinions. Family dinners (789) to discuss his or her day and share any exciting news.

cupiess area o un opinions	· • • • • • • • • • • • • • • • • • • •		er aug and ondre aug onering no
785. 1) which are	2) which were	3) which they are	4) which they were
786. 1) supposed	2) recommended	3) recognized	4) provided
787. 1) convert	2) express	3) define	4) expand
788. 1) offer	2) are offered	3) offered	4) were offered
789. 1) of every family n	nember are allowed	2) allow every member of	of the family a chance
3) are allowed by ev	very family member	4) allow a chance every	member of the family

doze 3

110

te fe

ee ee

₩¥

790. 1) were born	2) have born	3) who were born	4) who have born
791. 1) elementary	2) expanded	3) imaginary	4) advanced
792. 1) if I wondered	I would like	2) I'd like to wonder	about
3) I wondered if I would like		4) if I liked it I'd wo	nder about
793. 1) whatever	2) which	3) whenever	4) when
794 . 1) originally	2) wisely	3) increasingly	4) accidentally

·	into 2018, and we	all the resources that Eart	h is able to generate over the
course of one year.	2)	2) have also decided	() have have also do used
1) may already used	2) may be already used		4) have been already used
• •	the police station to report th		A) 1 11 (1
1) stolen	2) was stolen	3) had stolen	4) had been stolen
	st drought our county has se		
1) is	2) was	3) does	4) did
	t for the concert tomorrow j		
1) Will	2) Has	3) Was	4) Had
958. Mazdak Fazelpoor,	, for my father in th		yprus.
1) worked	2) who worked	had worked	4) who had worked
959. I for the n	natch to begin when suddenl	y a dog ran onto the pitch.	
1) waited	2) was waiting	3) have waited	4) had waited
960. I had read the whole	le of War and Peace	I was nine years old.	
1) once	2) while	3) after	4) by the time
961. When my trainer to	old me to do fifty push-ups, I	fifteen miles.	
1) was already running		have already run	
3) had already run		4) already ran	
962. They'd forgotten to	water the plant,they	y?	
1) didn't	2) hadn't	3) wouldn't	4) weren't
963. As she to I	Europe before, she was very	excited before the trip.	
1) has never gone	2) has never been	3) had never gone	4) had never been
964. On the bright side,			za in ages, so I ordered pizza.
1) didn't have	2) haven't had	3) hadn't had	4) wasn't eating
	e a map! If we didn't, we wo		, U
1) lose	2) be lost	3) been lost	4) had lost
r	, , , , , , , , , , , , , , , , , , ,		n. (۱۳۸۴) (آزمون سراسری، گروه هنر، سال ۱۳۸۴)
1) given	2) had given	3) are given	4) had been given
. 0	the hotel last week. Two of t	, 0	(آزهون سراسری، گروه زبان، سال ۱۳۸۴)
1) have damaged	2) had damaged	3) were damaged	4) were damaging
	r house sold to the	, 6	(آزمون سراسری، گروه تیم پی، سال ۱۳۸۵)
1) is	2) will be	3) has been	(۱٫۵۵۵ سر۱۳۵۵ دروه موری، ۵۵ سر۱۳۵ 4) had been
-	before we got to the picnic	-	(آزمون سراسری، گروه انسانی، سال ۱۳۸۶)
1) has eaten	 a) had eaten 	 3) had been eaten 	(۱٫۵۵۵ شراشری، دروه ۱۵۵۶ ۵۵۰ ۵۵) 4) has been eaten
	eed a job because he		(آزمون سراسری، گروه هنر، سال ۱۳۸۶)
l) has offered	2) had offered	3) has been offered	(ارمون سراسری، لروه همر، سال ۱۹۹۷) 4) had been offered
·			
	bing-pong by the time I was s		(آزمون سراسری، گروه ریاض، سال ۱۳۸۷) مطلقین میده از مطالبه مطلقه داده
1) was taught	2) taught	3) had taught	4) had been taught
0	t the lesson review		(تزمون سراسری، گروه هنر، سال ۱۳۸۷) ۱۱ م. ۱۱
1) has	2) had	3) has been	4) had been
	yet. Could you please wash		(آزمون سراسری، گروه ریاحتی، سال ۱۳۹۲)
1) have been not washed		2) have not been washed	
are not being washed		4) had not been washed	
	of tennis with Mike when Su		(تزمون سراسری،گروه هنر، سال ۱۳۹۲)
1) had finished - arrived		3) have finished - arrived	4) finished - has arrived
	-	-	(آزمون سراسری، گروه زبان، سال ۱۳۹۲)
1) got - had been caused		2) had gotten - was caused	
got - has been caused		4) had gotten - had been c	aused

ah

ليناسوه

lice.

U. P

She rode the horse back to the stable . ا دوباره به اصطبل برگرداند (او سوار بر اسب به اصطبل برگشت).	اصطبل، طویله 🔵 stable /'sterbl/ n/ اسبداری، محل پرورش اسب	
She tied a string around the boxes.	string /strin/ n ، نتخ،	
را با ئخ/سیم ہست.	ین بند، سیم = زنجیر، رشته، ریسه، ردیف	
He owns a string of movie theaters.	(یسمان، بند؛ سیم فراجیز، رسته، ریسه، ریسه، ریونگ [به نظر می رسد کتابتان در صفحهٔ ۷۴ به اشتباه	
ته (چندین) سالن سینما از خودش دارد.	ابه جای incandescent light bulb (لامپ	
We used four strings of lights to decorate the room.	string light bulb رشته ای) از ترکیب	
ئين اتاق از چهار رشته /ريسه لامپ استفاده كرديم.	(لامپ ریسهای) استفاده کرده است.]	
است که در کارش موفق شود. She hopes to succeed at her job.	موفقشدن، succeed /sək'siɪd/ v	
ن طرح به جایی برسد. The plan just might succeed.	یشرفت کردن، به جایی رسیدن <mark>ا</mark> ز عهده برآمدن	
He bought a month's supply of cooking oil.	supply /sə'plaɪ/ n, v	
ړ يک ماه روغن پختوپز خريد (او به اندازهٔ مصرف يک ماه روغن خريد).	تدارک، تهیه، تأمین 📒 مقدار، موجودی،	
The company supplied us with the necessary money.	ذخيره 📒 [به صورت جمع] ضروريات 📒	
ل لازم را در اختیار ما قرار داد .	در دسترس گذاشتن، تأمین کردن، در اختیار	
Electrical power is supplied by underground cables.	(كسى) قراردادن 🛑 [نياز] برأوردن	
یق کابلهای زیرزمینی تأمین میشود.		
There is no supporting evidence for her claim.	supporting /səˈpɔːrtɪŋ/ adj	
ند تأییدکنندهای برای ادعای او وجود ندارد.	[دلیل و مانند أن] قانع کننده، مؤید، تأییدکننده	
She won the award for best supporting actress.	📒 [بازیگر] نقش دوم، مکمل 📒 اضافی، کمکی	
هترین هنرپیشهٔ مکمل (نقش دوم) زن را بُرد.		
Plants take in water and carbon dioxide and convert them with the h	take in	
sunlight into sugar and oxygen.	جذب کردن 📒 به داخل کشیدن	
ب و دیاکسید کربن را جذب میکنند و با کمک نور خورشید آنها را به قند و اکسیژن		
کنند.		
Fish take in oxygen through their gills.		
کسیژن را از طریق آبششهای خ ود جذب میکنند.		
Is the tide rising or falling ? حال جزر است یا مد؟	tide /taɪd/ n	
At high tide the water covers the rocks completely.	جزر و مد 📒 موج	
، آب سنگها را کاملاً میپوشاند.		
You can walk across the sandbar at low tide.		
هنگام جزر در طول دماغهٔ شنی قدم بزنی.		
The Eiffel Tower is named after the engineer Gustave Eiffel, whose co	tower /ˈtaʊər/ n	
designed and built the tower.	بُرج	
به نام مهندس گوستاو ایفل که شرکتش این برج را طراحی کرد و ساخت نامگذاری شده.		
Yazd is famous for its wind towers, which help to catch passing air		
down the interior of buildings.		
طر برجهای بادی (بادگیرهای) خود که کمک میکند هوای جاری را بگیرد تا فضای داخلی		
نا را خنک کند، معروف است.		

1003. I was amazed by	the ease with which Afri	can women seemed to carry	heavy on their heads.
1) feathers	2) loads	3) clients	4) documents
1004. A: I have to hand	l in this composition tom	orrow, but I have a problen	n with the introduction.
B: Let me take a	look. After all,	-	
1) too many cooks spoi	il the broth	2) two heads are bette	er than one
	3) a burnt child dreads the fire		
		 easy come, easy go bking will reduce the 	
1) equivalent	2) likelihood	3) demand	4) dread
			mean the dinosaurs
1) died out	2) saved	3) created	4) hatched
r		d he has more than i	r
1) consumers	2) clients	3) characters	4) collectors
·	r		, ,
		aroun	
1) revolve	2) sing	3) carry	4) flock
	-	-	and green beans with every meal.
1) snacks	2) veggies	3) broths	4) sauces
	-	a website - but those da	
1) move to	2) power	3) run	4) consist
1011. Diesel engines als	o average about 15 perc	ent better fuel over g	gasoline engines.
1) power	2) source	3) unit	4) economy
1012. The garbage true	ck was trying to drive th	rough the crossing gates, ev	en though traffic signals
an oncoming train.			
 provided with 	2) warned of	3) crossed out	4) gave off
1013. It is no use callin	g him before 9:30 in the	morning, he's not exactly a/	an, you know.
1) burnt child	2) early bird	3) gift horse	4) couch potato
1014. At the beginning	of the term, students are	e a list of books that	they are expected to read.
1) warned of	2) dealt with	3) supplied with	4) consisted of
1015. You can be paid	in cash weekly or by che	ck monthly: those are the tw	/0
1) equivalents	2) favorites	3) outlets	4) alternatives
			ve, and has been blind ever since.
1) sight	2) fitness	3) hearing	4) component
. 0	·	over their heads an	· 1
1) environment	2) panel	3) balcony	4) roof
	-		ve to hot and cold food and drink.
1) cook	2) digest	3) consume	4) demand
-	-	to face up to the reality that	t oil and gas will be used
up in another 70 year		0) 11	
1) demands	2) landfills	3) collections	4) supplies
		ny sign of emotion.	
1) gradual	2) shiny	3) perfect	4) visible
••••	vere introduced in Britain	n in 1840 as a way of showin	g that the sender had paid for the
letter to be			
1) collected	2) delivered	3) required	4) communicated
1022. If you stop eating	g for a few days, your bo	dy will have no choice but to	turn to other sources of energy,
namely fat.			
1) supplied	2) cosumed	3) stored	4) wasted

9 1023. Well, no wonder th	ey get along so well. As they	y say,!				
1) out of sight, out of mind 2) don't look a gift horse in the mouth						
3) easy come, easy go						
• 1024. He was so t	hat he shut himself in his bo	edroom and refused to con	ie out.			
1) upset	2) harmful	3) fantastic	4) asleep			
• 1025. His family is convin- 1025. His family is convin- 1025.	nced the drug was the cause	of the depression which	his death.			
1) spoiled	2) counted on	3) reached	4) led to			
9 1026. That tiny radiator	in the restaurant didn't	much heat, so we had	to put our jackets back on.			
1) cause	2) blow	3) convert to	4) give off			
• 1027. The winners were see	elected on the of the c	reativity, relevancy and pro	duction value of their projects.			
1) unit	2) demand	3) basis	4) cost			
o 1028. The program has b	een designed to automatica	lly and store the m	ost frequently used data.			
1) select	2) renew	3) place	4) generate			
9 1029. Thanks to advanced computer technology, the whole car can be modeled on a computer before a single						
is made.						
1) string	2) score	3) material	4) component			
9 1030. Nuclear power can	ries the risk of accidents a	and produces radioactive	waste which will the			
environment for centur	ries.					
1) waste	2) pollute	3) benefit	4) revolve			
9 1031. When I first purch	ased my computer, I thoug	ht that all I needed to do	was, connect it to the			
phone line, and everyth	ning would be OK.					
1) take it in	2) use it up	3) look it up	4) plug it in			
• 1032. He explained his .	by telling his emplo	yers he was going into ho	spital for three weeks for an			
operation.						
1) absence	2) distance	3) remoteness	4) fondness			
9 1033. There are also tiny	traces of other noble gases	besides argon,, neo	n, krypton, and xenon.			
• 1033. There are also tiny 1) gradually	traces of other noble gases 2) widely	besides argon,, neo 3) namely	n, krypton, and xenon.4) directly			
	2) widely	3) namely	••			
1) gradually	2) widely d the kids up on the way to	3) namely	4) directly			
1) gradually • 1034. I and picke	2) widely d the kids up on the way to one stone	3) namely the station.	4) directly efore they hatched			
 gradually 1034. I and picke 1) killed two birds with of 3) cut my coat according 	2) widely d the kids up on the way to one stone	3) namelythe station.2) counted my chickens b4) looked the gift horse in	4) directly efore they hatched the mouth			
 gradually 1034. I and picke 1) killed two birds with of 3) cut my coat according 	2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth	3) namelythe station.2) counted my chickens b4) looked the gift horse in	4) directly efore they hatched the mouth			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with of 3) cut my coat according 1035. Apart from style and 1) upset about 	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from 	4) directly efore they hatched the mouth periences of its readers.			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with of 3) cut my coat according 1035. Apart from style and 1) upset about 	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually 1 renewable 	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical 	 4) directly efore they hatched the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually 1 renewable 	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the particular statement of the particular st	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style at upset about 1036. Consumers usually renewable 1037. A large space was 	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the particular statement of the particular st	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style at upset about 1036. Consumers usually renewable 1037. A large space was behavior of the infant with the infant withe infant with the infant with the inf	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the paymen awake. 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical page for recording place of 3) component 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style at upset about 1036. Consumers usually renewable 1037. A large space was behavior of the infant with the infant withe infant with the infant with the inf	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the period when awake. 2) symbol 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical page for recording place of 3) component 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually renewable 1037. A large space was behavior of the infant v structure 1038. I pushed through b	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the period when awake. 2) symbol by myself that when 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from ne lack of pesticides and cher 3) practical page for recording place o 3) component this project was finished, i 3) achieving 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin t would all be worth it. 4) supporting 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually renewable 1037. A large space was behavior of the infant v structure 1038. I pushed through b	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the particular of the particu	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from ne lack of pesticides and cher 3) practical page for recording place o 3) component this project was finished, i 3) achieving 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin t would all be worth it. 4) supporting 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually in the infant of the infa	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the particular of the particu	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical bage for recording place o 3) component this project was finished, i 3) achieving ant, productivity increases 3) guideline 	 4) directly efore they hatched the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin t would all be worth it. 4) supporting 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually in the infant of the infa	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the payment awake. 2) symbol by myself that when 2) confusing f a working is please 2) formula 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical bage for recording place o 3) component this project was finished, i 3) achieving ant, productivity increases 3) guideline 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin t would all be worth it. 4) supporting 4) environment 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually 1 renewable 1037. A large space was behavior of the infant with the infant withe	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the payment awake. 2) symbol by myself that when 2) confusing f a working is please 2) formula 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical bage for recording place o 3) component this project was finished, i 3) achieving ant, productivity increases 3) guideline 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin t would all be worth it. 4) supporting 4) environment 			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually renewable 1037. A large space was behavior of the infant with the infant withe infant with the infant with the infant with the infant wit	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the payment 2) confusing f a working is please 2) formula a comment on one of your patt. 2) holding ng life, LED light bulbs don 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical tage for recording place o 3) component this project was finished, i 3) achieving ant, productivity increases 3) guideline toosts, you are sent an e-mail 3) suggesting 	 4) directly efore they hatched a the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin t would all be worth it. 4) supporting 4) environment a			
 gradually 1034. I and picke killed two birds with o cut my coat according 1035. Apart from style and upset about 1036. Consumers usually renewable 1037. A large space was behavior of the infant with the infant withe infant with the infant with the infant with the infant wit	 2) widely d the kids up on the way to one stone to my cloth nd formatting, a novel shout 2) fond of buy food because of the 2) organic left in the of the payment awake. 2) symbol by myself that when 2) confusing f a working is please 2) formula a comment on one of your patt. 2) holding 	 3) namely the station. 2) counted my chickens b 4) looked the gift horse in 1d not be too the ex 3) remote from the lack of pesticides and cher 3) practical tage for recording place o 3) component this project was finished, i 3) achieving ant, productivity increases 3) guideline toosts, you are sent an e-mail 3) suggesting 	 4) directly efore they hatched the mouth periences of its readers. 4) harmful to micals used during production. 4) familiar f sleep, position of sleep and 4) margin t would all be worth it. 4) supporting 4) environment al you of this fact, and 4) informing 			

ab

روس

li Ç

U.

LW SCDP

-169

٣٢٠- (كَرْكِينَهُ ٢٢) تا الان، اولين موردِ ثبتشدة [بيماري] ايدز [مربوط به] مردی بانتویی است که در کنگوی بلژیک زندگی میکرده و در سال ۱۹۵۹ از بیماری نامشخصی جان سپرده است. ۲) متعهد؛ اختصاصی ۴) ثبتشده ۱) تحسینشدہ ۳) تأسیسشده ۳۲۱- گؤینهٔ 🍸 🛛 من فکر می کنم ما راجع به هر چیزی که لازم بوده صحبت کردہایم _ راستی، ساعت چند است؟ ۱) از همه مهم تر این که
 ۲) مایهٔ تأسف است
 ۳) راستی ۳) راستی ۳۲۲- (گزیمنهٔ 🍸) او به این فکر کرد که به عنوان یک بومی در وطنش شانس بهتری دارد تا به عنوان یک خارجی در ایالات متحده. ۲) شکست، ناکامی ۴) وظیفه؛ کار ۱) نسل؛ توليد ۳) وطن، میهن ۳۲۳- گزیمنهٔ () خیلی از والدین وقتی فرزندانشان خانه را ترک مىكنند دچار نوعى احساس فقدان مىشوند؛ وضعيتى كه نشانگان آشيانهٔ خالی نام دارد. ۴) تضاد ۳) فکر ۱) احساس؛ حس ۲) احترام ۳۲۴- (گرینهٔ 🍸 باید اتاق خواب بچه را می دیدی. والدینش آن را با عشق تزيين كرده بودند. ۱) معمولی، به طور عادی ۲) از روی عشق؛ با مهربانی ۴) تصادفی ۳) در واقع، عملاً ۳۲۵- (گریمنهٔ () آیا حقیقت دارد که اگر بدون لباس فضانوردی در

đà

۲۱۵ - حویے که ایا حقیقت دارد که اگر بدونِ لباس فضانوردی در فضا بیرون بروید، سرتان تحت فشار خواهد ترکید؟) ترکیدن ۲) شکستخوردن ۳) ویرانکردن ۴) مکثکردن

اگر فکر میکنید گزینهٔ «۳» هم بد نیست، دارید معلوم و مجهول را اشتباه میگیرید. فعل گزینهٔ «۳»، یک فعل گذرا و معلوم است؛ اگر آن را انتخاب کنید، ترجمهٔ جمله مسخره می شود: «سرتان تحت فشار نابود خواهد کرد!»

۳۲۶- گریسهٔ () هیچ چیزی از این بدتر نیست که وقتی در تعطیلات هستید به شما دستبرد زده شود و این دقیقاً اتفاقی است که وقتی تابستان سال گذشته در تعطیلات بودم برایم افتاد و برای من هیچ پول، کارت [اعتباری] یا کارت شناسایی ای باقی نماند.

دستبردزدن به
 ۲) پايين آوردن

۳) محل (چیزی را) مشخص کردن ۴) دزدیدن

نکتهٔ اول این که فعل جمله مجهول است؛ پس باید هنگام ترجمه، فعل را با «شدن» ترکیب کنید. دوم این که فعل rob یعنی «دستبردزدن به کسی یا جایی»، در حالی که فعل steal یعنی «چیزی را دزدیدن». اگر گزینهٔ «۴» را انتخاب کرده باشید، در حقیقت گفته اید: «هیچ چیزی از این بدتر نیست که وقتی در تعطیلات هستید، دزدیده شوید!»

۳۲۷- گوینهٔ ۲) او دارد فقط از تو استفاده می کند – او ایدههای تو را خواهد دزدید و بعد اعتبار آنها را به خودش نسبت خواهد داد. ۱) قدردانی کردن از ۲) دزدیدن ۳) کشف کردن ۴) تأسیس کردن ۳۲۸- گوینهٔ ۲) او ممکن است بی تجربه به نظر برسد ولی هنوز هیچی نشده احترام دیگر دانشمندان حوزهٔ [کاری] خود را به دست آورده

است (مورد توجه آنها قرار گرفته است). ۱) فرهنگ؛ پرورش، تربیت ۲) توجه، ملاحظه، احترام ۳) تولید؛ نسل ۴ ۲۰

19A-186-66-100-

در این تست از ترکیب win the regard of sb (مورد توجه کسی 🔛 قرآر گرفتن) استفاده شده است. خیلی وقتها از فعل win (بردن، پیروزشدن) در مفهوم «کسب کردن» و «به دست آوردن» هم استفاده می شود. ۳۲۹- (گزینهٔ ۴) این همسر من بود که بیشتر رفتارهای بد مرا برطرف کرد، و من خیلی به خاطر کاری که برای من انجام داده قدردان او هستم. ۱) کمکردن؛ کمشدن ۳) بخشیدن، عفوکردن ۲) محافظت کردن از؛ دفاع کردن از ۴) برطرفکردن؛ درمانکردن ۳۳۰- (گزینهٔ) او در ۲۵ سالگی با خانمی ۱۵ سال بزرگتر از خودش ازدواج كرد، و ۲۹ سال با او ماند تا این كه [آن خانم] در گذشت. ۱) نوجوان ۲) بزرگتر ۰٫۰ بوجونی ۲) کمیّت؛ مقدار، تعداد ۴) مسئوليت ارکیب سن با صفت ملکی و کلمهٔ 15 years his elder) (15 years his elder) ترکیب خیلی رایجی است و وقتی از آن استفاده می کنیم که میخواهیم بگوییم «شخصی ... سال بزرگتر» از شخص دیگر. ۳۳۱- (گزینهٔ)) وقتی خبر فوت همسرش به او داده شد، به طرز غافلگیرکنندهای آرام واکنش نشان داد. ۱) با مهربانی، با ملایمت
 ۲) تصادفی
 ۳) مؤدبانه، (۳) مؤدبانه، (۳) ۴) مؤدبانه، با احترام به این نوع مجهول ها عادت بکنید: she was given (به او داده شد) 🔛 یا مثلاً she was offered (به او پیشنهاد شد) یا مثلاً she was told (به او گفته شد). این فعلها، فعلهای دومفعولی هستند و هنگام ترجمه شکل مجهول آنها، ممكن است در فارسى به يك حرف اضافه نياز پيدا كنيد. این یکی را هم ببینید: she was asked (از او پرسیده شد/خواسته شد). در این مثالها، من مجبور شدهام از حرف اضافهٔ «به» و «از» استفاده کنم. ۳۳۲- (گوینهٔ ۴) وقتی دختربچه آخرسر در آغوش پدرش به خواب رفت، او دخترش را بااحتیاط [از بغلش] پایین آورد و روی تخت گذاشت. ۱) بالابردن؛ تقویت کردن
 ۲) جمع آوری کردن ۴) پايينآوردن ۳) تعمیرکردن ۳۳۳- گزینهٔ 🍸 آن ها داشتند شکلکهای خندهدار درمی آوردند، و تلاش می کردند که لبخندی از بچه بگیرند (تلاش می کردند بچه را به خنده بیندازند). ۱) تأمین کردن، تهیه کردن ۲) [پاسخ، اطلاعات و مانند آن] بیرون کشیدن، در آوردن ۳) توجه کردن به، دقت کردن به ۴) اقدام کردن؛ تلاش کردن ۳۳۴– (گزینهٔ ۴) و تعجبی ندارد که آنها باز دوباره مجبور شدند دفترشان را ببندند. تجارتی که به آن بدی اداره شود استحقاق موفق شدن را ندارد. ۱) جوابدادن سر با براغین ۲) ارجاعدادن؛ مراجعه کردن ۳) تعلقداشتن ۴) استحقاق داشتن ۳۳۵- (گزینهٔ () در بعضی از محافل، «خشم و هیاهو»ی [ویلیام] فاكنر بهترین كار این نویسنده تلقی میشود. ۱) تلقی کردن؛ نگریستن به
 ۲) الهام بخشیدن به
 ۳) اختصاص دادن به
 ۴) جایگزین کردن ۳) اختصاصدادن به ترکیب to be regarded as (به عنوان ... تلقی شدن/به حساب 🔛 آمدن) در درس ۱ کتاب دوازدهم عیناً به کار رفته است. پس خیلی مهم است و باید روی آن تسلط داشته باشید. ۳۳۶- (گزینهٔ 🍸 یک قدم به سگ نزدیکتر شدم، مکثِ کوتاهی كردم تا ببينم كه آيا ميرود، ولي نرفت.

 ۱) شرکتکردن در
 ۲) تأییدکردن؛ مطمئنشدن از ۳) مکثکردن
 ۹) مضایقهکردن؛ عفوکردن

به شکل فعل pausing دقت کنید. انگلیسیها این کار را زیاد انجام میدهند: حرف ربط and و فاعل مشترک را از جملهٔ دوم حذف میکنند، زمان را از فعل دوم میگیرند و آن را به شکل ingدار مینویسند. در حقیقت، این جمله در اصل این طوری بوده:

I took a step closer to the dog ${\bf and} \ {\bf I}$ paused briefly to see \ldots

۳۳۷- رکزینهٔ) این تصمیم توست، پس اگر اوضاع خراب شد، خودت باید مسئولیت آن را قبول کنی.

برای حل این تست باید با ترکیب (همایند) take the responsibility (مسئولیت کاری را قبول کردن) آشنا باشید. فعل take هم مثل فعل make در ساخت ترکیبهای «اسم + فعل» زیاد شرکت میکند.

۳۳۸- گوینهٔ () از همه مهمتر و بدتر از همه اینکه، اگر این پروژه شکست بخورد نه تنها بخش ما، بلکه کل سازمان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. ۱) شکست خوردن ۲) بهترشدن ۳) موفق شدن ۴) خلق کردن

۳۳۹ کویینهٔ) فیلم محشری بود ولی بازی بازیگر نقش اول به نظر من کاملاً فاقد احساس بود.

 ۱) بیعلاقه به ۲) بدون، فاقد ۳) متصل به ۴) متعهد به ۳۴۰- کریدنه ۲) من ماندهام چه کار کنم. از شغلی که در آمد بیشتری داشته باشد خوشم می آید، ولی از طرف دیگر، از کاری که در حال حاضر انجام می دهم لذت می برم.

۳) از طرف دیگر
۴) از طرف دیگر
۳۴۱ – گزیدنا ۲) گرفتن این تصمیم سخت است و اگر من [به جای]
تو بودم، وقت می گذاشتم و به آرامی به گزینههایم فکر می کردم.
۱) با مهربانی، با ملایمت ۲) به آرامی، آهسته

۳) سخاوتمندانه ۴) مؤدبانه

۳۴۲- گزیمنهٔ ۲) ترجیح میدهم در چیزی که دوست دارم آدم ناموفقی باشم تا این که در چیزی که بدم می آید آدم موفقی باشم. ۱) خانم خانهدار ۲) اهل عمل ۳) آدم ناموفق ۴) وسیله ۳۴۳- گزیمنهٔ ۲) باران آنقدر شدید و باد چنان قوی بود که بالا

نگەداشتن چتر سخت بود. ۱۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۳۰ شد ۱۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ -

۱) قوی _ قوی ۲) شدید _ قوی ۳) شدید _ شدید ۴) قوی _ شدید اگر این تست یک جوری است، معذرت می خواهم. راستش، کتابتان وقتی دارد از ترکیبها (همایندها) حرف می زند، به عنوان مثال، heavy rain (باران شدید) و strong wind (باد قوی) را مثال می زند. گفتم این طوری یک بار دیگر یادآوری کرده باشم.

۳۴۴- کیسته) در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲، [تعداد] ۵ میلیون و ۵۲۰ هزار [فقره] سرقت توسط پلیس ثبت شده است که از سال گذشته ۳۵۶ هزار و ۲۳۹ فقره بیشتر است.

اختصاص دادن؛ اهداکردن
 ۲) ثبت کردن؛ ضبط کردن

۳) دزدیدن، دزدی کردن
۴) بخشیدن، عفو کردن

۳۴۵- (گُرُینِهٔ ۲) خریدنِ یک بستهٔ بزرگ با عقل جور درمیآید چون آخرسر ارزانتر از کار درمیآید.

یرای حل این تست، همانطور که قبلاً هم برایتان گفتم، باید با ترکیب رایج make sense (با عقل جور درآمدن) آشنا باشید.

۳۴۶- گویسنهٔ ۲) شب بود و دیروقت؛ و او جای دیگری برای رفتن نداشت، به همین خاطر من دلم برای او سوخت و اجازه دادم بماند. ۱) شکست، ناکامی ۲ (۲ ۳) احترام، آبرو ۴ ۲) ترحم، دلسوزی

همانطور که حتماً خودتان حدس زدهاید، ترکیب (همایند) take pity on sb به معنی «دل کسی برای کسی سوختن» است. قبلاً هم برایتان گفتم که فعل های take و make خیلی دوست دارند به اسم بچسبند و ترکیب های فعلی با آن ها درست کنند.

۳۴۷– (گزیےنهٔ ۲) اگر ماهر (فنی) باشی، خودت میتوانی ماشین ظرفشویی را نصب کنی و نیازی به لوله کش نداری. ۲) تأمين كردن () مکث کردن ۴) تقویت کردن ۳) نصب کردن ۳۴۸– (گزینهٔ 🍸) سحر، زنی پیچیده با شخصیتی قوی و فکری مستقل، با اصول محکم اخلاقی و باورهای عمیق مذهبی شکل گرفته بود. ۱) سخاوتمند؛ فراوان ۲) مڈھبی، دینی ۴) راحت، آسوده ۳) مسئول، پاسخگو ۳۴۹- گزیـنهٔ 🍸 دیدن این که زندگی یک حیوان در باغوحش در یک قفس قفلشدهٔ آهنی می گذرد، غمانگیز است. ۱) بىعلاقە؛ ئاراضى ۲) مئاسب ۴) بیشمار، بیاندازه ۳) رقتبار، غمانگیز؛ مفلوک ۳۵۰- (گزینهٔ) هر واحد خون اهدایی از نظر تمام بیماریهای عفونی آزمایش میشود. نوع آن نیز بررسی میشود. با این کار اطمینان حاصل میشود که کسی که به خون نیاز دارد، نوع مناسب آن را دریافت میکند. ۲) اهدایی، اهداشده () سزاوار، مستحق ۴) [کتاب] اهداشده؛ تقدیمشده ۳) برجسته، ممتاز ۳۵۱- رکزیےنۂ 🌔 کاری نیست که بتوانم الان برای بهروز انجام بدهم جز این که در این شرایط سخت برایش از خدا طلب رحمت کنم. ۱) رحمت، عنایت ۲) دین، مذهب ۴) الهام؛ منبع الهام ۳) قدرت؛ شدت ۳۵۲- (گزینهٔ ۴) او، که بعد از [گذراندن] زمان زیادی در خارج از کشور به خانه برگشته بود، وقتی از هواپیما پیاده شد، زانو زد و زمین را بوسید. ۱) بغل کردن، در آغوش گرفتن
 ۲) دزدیدن، سرقت کردن ۳) محل (چیزی را) مشخص کردن ۴) بوسیدن ۳۵۳– 🔍 امروز دیر از سر کار به خانه برگشتم و برای بچهها 💎 یک غذای سریع (حاضری) درست کردم – تخممرغ با سالاد و کمی گوشت و سیبزمینی سرخکرده. 🔛 این تست را برای یادآوری نوشتم، چون کتاب درسی تان در قسمت آموزش ترکیبها (همایندها) تأکید کرده است که نباید fast food (فستفود) را با quick meal (غذای سریع یا حاضری) اشتباه بگیریم. اولی را معمولاً در رستوران درست میکنند و اتفاق برعکس اسمش، خیلی هم زود آماده نمیشود! دومی را در خانه درست میکنند و خوشبختانه زود آماده میشود. ۳۵۴- (گزینهٔ ۴) مطالعات نشان میدهد که مصرف ویتامین به طور منظم، به طرز بارژی عملکرد مغز را بهبود میبخشد. ۲) ترکیب؛ مجموعه؛ تلفیق
 ۲) راهحل؛ حل؛ محلول ۴) عملكرد؛ وظيفه، نقش ۳) ترکیب 🖉 حواستان به فعل suggest هست؟ مبادا روی ترجمهٔ «پیشنهادکردن» اصرار کنید. گاهی معنی آن «نشاندادن» است. ۳۵۵- (گزیینهٔ 🍸) بالارفتن قیمتها یک علامت واضح است [مبنی بر

۳۵۵– کویسنه) بالارفتن قیمتها یک علامت واضح است [مبن این] که سیاستهای دولت جواب نداده است. ۱) طرح، برنامه ۲) علامت، پیام ۳) کشف، اکتشاف ۴) وضع؛ شرط

- an 33

99-199

